

پناهیان: امروز در جامعه ما هیچ شغلی به ضرورت و ارزش کار هنری و رسانه‌ای نیست/ انگیزه انقلابی

برای ورود به عرصه هنر و رسانه کافی نیست، فهم عمیق دینی هم لازم است/ رسیدن به این درک عمیق،

تهذیب نفس، نماز شب، از خودگذشتگی، و توسل به اهل بیت(ع) می‌خواهد

دومین گردهمایی هنرجویان فیلمسازی و سینماگران در آستانه برگزاری دوره تخصصی آموزش تخصصی فیلمسازی مؤسسه شهید آوینی، در مرکز فرهنگی سیدالشهدا با حضور حجت الاسلام علیرضا پناهیان برگزار شد.

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در این جلسه با اشاره به فریب‌خوردگان جریان‌های تکفیری گفت: وقتی انسان‌های شایسته در مقام تبلیغ دین قرار نگرفتند و کسی دین سالم، لطیف، معقول و منطقی را تبلیغ نکرد، دین خشن، انحرافی و نامعقول به سهولت رواج پیدا می‌کند امروز آمادگی برای شنیدن سخن حق و ضرورت انتقال پیام‌های خوب به مخاطبان مختلف در عالم دوصدچندان شده است و هرمقدار این پیام‌ها دیرتر به اهل عالم برسد، مظلومین بیشتری در گوشه و کنار جهان، سربریده می‌شوند و بی‌تردید بخشی از گناه این‌همه مظلومیت‌ها به عهده کسانی است که می‌توانستند با انواع و اقسام پیام‌رسانی‌ها به رفع ظلم اقدام کنند و نکردند.

در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در این سخنرانی را می‌خوانید:

امروز آمادگی شنیدن سخن حق در عالم، دوصدچندان شده است

• شمال(هنرجویان) وقت خوبی به عرصه هنر و رسانه قدم گذاشته‌اید، زمانه شما زمانه‌ای است که آمادگی برای پذیرش سخن حق و پیام صحیح و سالم، فوق‌العاده بالا رفته است. نه تنها آمادگی مردم برای شنیدن سخن حق بالا رفته بلکه ضرورت انتقال پیام‌های خوب به انواع و اقسام مخاطبان در عالم، دوصدچندان شده است. هرمقدار این پیام‌ها دیرتر به اهل عالم برسد، مظلومین بیشتری در گوشه و کنار جهان، سربریده می‌شوند و بی‌تردید بخشی از گناه این‌همه مظلومیت‌ها به عهده کسانی است که می‌توانستند با انواع و اقسام پیام‌رسانی‌ها به رفع ظلم اقدام کنند و نکردند.

• وقتی با یکی از مسئولان مقاومت در منطقه صحبت می‌کردم؛ ایشان اقبال و فریب‌خوردگی برخی از اقشار مسلمان در سراسر جهان نسبت به تکفیری‌ها را ناشی از عدم وجود کار فرهنگی درست و غلط می‌دانست.

برخی پیام‌های انحرافی و غلط به فریب‌خوردگان تکفیری القا، شده و آنها باور کرده‌اند/ اهل جبهه حق، به

انتقال پیام‌های صحیح اقدام نکرده‌اند

• وقتی به آدم‌های فریب‌خورده توسط تکفیری‌ها نگاه می‌کنیم، به هیچ وجه نمی‌توانیم بگوییم بدنه اینها را سازمان‌های جاسوسی با پول خریده‌اند و یا با سازمان‌دهی مستقیم از سوی آنها شکل گرفته‌اند. بلکه برخی از مفاهیم به صورت غلط به این فریب‌خوردگان تکفیری القاء شده است و آنها باور کرده‌اند و الان دارند بر اساس باورهای غلطشان کار می‌کنند. در حالی که بطلان این مفاهیم غلط که به آنها القاء شده آن‌قدر واضح است که وقتی شما از نزدیک با آنها مواجه می‌شوید به شدت تعجب می‌کنید از اینکه آنها چطور این مفاهیم غلط را باور کرده‌اند، چه رسد به اینکه به خاطرش جان بدهند!

• امروز پیام‌های انحرافی و غلطی به اهل عالم داده می‌شود و این پیام‌های غلط به سادگی توسط آدم‌ها و به خصوص جوانان در همه‌جای دنیا باور می‌شود، و متأسفانه در چنین شرایطی، کسانی که اهل جبهه حق هستند به انتقال پیام‌های صحیح اقدام نکرده‌اند. وقتی کسی دین سالم، لطیف، معقول و منطقی را تبلیغ نکرد و وقتی انسان‌های شایسته در مقام تبلیغ دین قرار نگرفتند، دین خشن، انحرافی و نامعقول این‌قدر به سهولت رواج پیدا می‌کند.

• یکی از مسئولین فرهنگی کشور که اخیراً به بسیاری از کشورهای اروپایی سفر داشتند، به بنده می‌گفتند: جریان‌های تکفیری در اروپا توانسته‌اند برخی خانم‌هایی را که اصلاً اهل دین و معنویت و حجاب نبوده‌اند و در فضای غرب رشد کرده‌اند، را ترغیب کنند به اینکه نه تنها محجبه بشوند و برقع بزنند بلکه برای کشته شدن در راه تفکر تکفیری‌ها نیز آماده شوند.

جهان تشنه معنویت، حاضر است برای دین‌های افراطی تقلبی، جان بهترین جوانان خود را تقدیم کند/

نتایج فاجعه‌آمیز کم‌کارهای ما در جهان را ببینید!

• ما حجاب معقول و لطیف منطقی خودمان را تبلیغ نکردیم(و اگر هم کار مختصری شده باشد، حجابی که امروز در جهان رواج یافته نتیجه این کار مختصر نیست، بلکه اثر خون شهدا و اثر عمومی جریان معنویت در عالم و زدگی آدم‌ها از زندگی مبتذل است که باعث شده به سمت حجاب بروند)، اما در همین شرایط، تکفیری‌ها می‌آیند و با صرف کمترین وقت و تجهیزات تندترین شعارها را می‌دهند و جهان تشنه معنویت هم از شدت تشنگی حاضر است برای همین دین‌های افراطی تقلبی جان بهترین جوانان خودش را تقدیم کند. چرا باید این‌گونه باشد؟ به دلیل اینکه ما یک خلأهایی را ما ایجاد کرده‌ایم و به آنها بی‌اعتنایی کرده‌ایم و اقدامات شایسته‌ای در این زمینه انجام ندادیم.

• بنده نمی‌خواهم وضع موجود رسانه‌ای و هنری را در کشور تحلیل کنم، ولی از شما هنرجویان خواهش می‌کنم قبل از شروع این دوره، نتایج فاجعه‌آمیز کم‌کاری‌های ما و کارهایی که ما «انجام ندادیم» را در جهان مشاهده کنید! الان شما می‌توانید در جهان با تک‌تک آدم‌ها ارتباط برقرار کنید و ببینید مردم عالم چقدر ساده فریب چه پیام‌هایی را می‌خورند که این پیام‌ها در واقع نوع تقلبی همان پیام‌هایی است که خزائن و معادنش اینجا در اختیار شما قرار دارد و شما با بی‌اعتنایی از کنار آنها عبور می‌کنید و تلاش نمی‌کنید که لاقط بخشی از این پیام‌های ناب را به تشنگان عالم تقدیم کنید.

• شما وقت خوبی رسیده‌اید؛ هم ضرورت پیام‌رسانی به اوج رسیده و هم پذیرش در بالاترین نقطه است. اساساً ظهور وقتی رخ می‌دهد که پذیرش پیام حق در عالی‌ترین وضعیت ممکن باشد. و الان ما واقعاً به این زمان نزدیک شده‌ایم منتها یک کم‌کاری مفرط و یک خلأ وحشتناک در این عرصه وجود دارد.

فضای فرهنگی رسانه‌ای ما شبیه سیاه‌چال‌هایی شده که نور را می‌بلعند و طوری نمایش می‌دهند که گویا

هیچ خبری نیست

• اگر بخواهیم خلأ تولید محصول فرهنگی و رسانه‌ای خوب را به چیزی در عالم ماده تشبیه کنیم، شاید بتوان آن را به سیاه‌چال‌هایی تشبیه کرد که در کپکشان‌ها وجود دارد. می‌گویند در کپکشان‌ها سیاه‌چال‌هایی وجود دارد که نور ستارگان را در خود می‌بلعند، یعنی نه تنها خودشان با نور، روشن نمی‌شوند و نوری از آنجا عبور نمی‌کند؛ بلکه تاریکی خود را بر نور ستارگان غلبه می‌دهد و نور ستارگانی که باید به ما برسد اگر از نزدیک این سیاه‌چال‌ها عبور کند، بلعیده می‌شود. حکایت فضای فرهنگی رسانه‌ای ما هم شبیه همین سیاه‌چال‌هایی شده که نور را در خود می‌بلعند و این‌طوری نمایش می‌دهند که گویا هیچ خبری نیست!

• هر کسی از کنار ما عبور کند، احساس می‌کند هیچ خبری نیست، درحالی که در این جامعه، خورشیدها و ستارگانی طلوع کرده‌اند که هر یک از آنها برای روشن کردن عالم کافی بوده‌اند، و ماه‌هایی طلوع کرده‌اند که می‌توانند شب‌های مهتابی به مردم عالم هدیه کنند، ولی متأسفانه در زمینه‌ی بازتاب نور اینها کاری صورت نگرفته و سیاه‌چال‌ها نور این ستارگان و خورشیدها را در تاریکی خود دفن کرده‌اند.

• متأسفانه گاهی یک فیلم برای دفاع مقدس ساخته می‌شود اما انگار این فیلم از دلان این سیاه‌چال‌ها عبور کرده و نورش گرفته شده است. نتیجه‌اش این می‌شود که یک دفاع مقدس سکولار به مخاطب نشان می‌دهد؛ به حدی که گویا اتفاقات این فیلم در ویتنام، کوبا یا هر نقطه‌ی دیگری از این عالم رخ داده است که رنگ و بویی از معنویت ناب دفاع مقدس ما در آن دیده نمی‌شود.

هنرمندان، اهالی رسانه و مستندسازهای ما امام(ره) را به چه کسی در این عالم شناسانده‌اند؟

• هنرمندان، اهالی رسانه و مستندسازهای ما حضرت امام(ره) را به چه کسی در این عالم شناسانده‌اند؟ شاگردهای کوچک و بزرگ امام(ره) را به چه کسی شناسانده‌اند؟ جامعه‌ی ما این‌قدر شخصیت و افکار امام(ره) را مهجور قرار داده که اگر امروز یک جوان با امام(ره) ارتباط برقرار کند باید مدعی باشد که خودش امام(ره) را اکتشاف کرده؛ یا با مکاشفه‌ی روحی به امام(ره) رسیده و با ایشان ارتباطی برقرار کرده است.

• هنوز بوی برخی عقب‌ماندگی‌های مفرط از کلام برخی اهالی هنر و رسانه می‌آید که نشان می‌دهد دنبال این هستند در کار هنری‌شان خودنمایی و خوداظهاری کنند و کار هنری را در خدمت نفسانیت خودشان قرار دهند. چنین کسانی، یک‌دوره احساس مسئولیت برای اینکه ماه بشوند تا نور خورشید را به دیگران بتابانند در خودشان احساس نمی‌کنند، و هرگز تخیل چنین وضعیتی را هم نکرده‌اند.

• هنرمند خوب مثل ماه است که با انعکاس نور خورشید، شب را مهتابی می‌کند، به حدی که ستارگان پرفروغی که خودشان نور دارند در مقابل نور این ماه، کم می‌آورند(البته از دید ناظر زمینی). من احساس می‌کنم که شهید آوینی هیچ‌وقت خودنمایی و خوداظهاری نمی‌کرد بلکه شور و شوق او به انتقال و انعکاس نور خورشید بود. شهید آوینی آیینة تمام‌نمای خورشید بود، اما آیا امروز که این آیینه شکسته شده، نسل هنرمند امروز می‌تواند قطعات شکسته شده‌ی این آینه باشد و با آن ایوان آیینه‌ای درست کند و نور چراغ‌های موجود را از هزاران زوایای مختلف منعکس کند؟

انگیزه انقلابی برای ورود به عرصه هنر و رسانه کافی نیست، فهم عمیق دینی هم لازم است

• شما هنرجویان، اگر با انگیزه انقلابی و با انگیزه غصه خوردن برای پنهان ماندن این نور وارد عرصه هنر و رسانه شده‌اید، ضمن اینکه تاریخ بشریت منتظر چنین کسانی است که به این عرصه وارد شوند، اما باید بدانید که انگیزه خوب و سلامت نفس برای ورود به این عرصه کافی نیست. خیلی‌ها بودند که با انگیزه‌های خوب و انقلابی شروع کردند اما به جایی رسیدند که هر موقع به میدان می‌آیند باید مراقب باشیم که به خودی‌کُل نزنند! و بعضاً دچار تصلب‌هایی شده‌اند که اجازه گفتگوهای انتقادی را هم نمی‌دهند. ما از این افراد کم ندیده‌ایم، لذا وقتی می‌بینیم که حزب‌اللهی‌ها وارد این عرصه می‌شوند، ذوق‌زده نمی‌شویم.

• عرق و انگیزه انقلابی برای ورود به این عرصه کافی نیست، بلکه فهم عمیق دینی هم لازم است؛ فهم عمیقی از دین که گاهی ممکن است در طلبه‌هایی مثل ما هم پیدا نشود و بعضاً ممکن است با نبود این فهم عمیق، بیابیم دین را به شکل دیگری عرضه کنیم که شکل حقیقی دین نیست.

یکی از آفت‌های زمانه ما این است که برخی بچه مذهبی‌ها خودشان را همه‌چیزدان می‌دانند!

• آیا امکان دارد انسان بدون تلاش و جهاد عملی و بصیرتی، بتواند عمیقاً حقایق بسیار ژرف را درک کند؟ یکی از آفت‌ها و آسیب‌های زمانه ما این است که برخی بچه مذهبی‌ها خودشان را همه‌چیزدان می‌دانند و حاضر نیستند راجع به مفاهیم عمیق دینی مانند تقوا، ایمان، حجاب و نماز و ... بیشتر تحقیق و بررسی کنند و درباره‌ی رازهای این مفاهیم تفکر و تعمق کنند. اینها خودشان را صاحب‌نظر می‌دانند و بدون اینکه حاضر به تحقیق و تفکر باشند، می‌خواهند درباره‌ی همه‌چیز نظر بدهند و این فاجعه‌ای است که ما از بابت آن گرفتاری‌های زیادی را متحمل هستیم.

• معلوم نیست برخی بچه مذهبی‌های ما یک‌دفعه‌ای چگونه همه‌چیزدان شده‌اند؟! در حالی که نه محصول عمیق رسانه‌ای تولید شده که از آن استفاده کرده باشند، نه آموزش و پرورش ما تحول عمیق محتوایی پیدا کرده و نه سرفصل‌های دانشگاهی ما طوری طراحی شده که مفاهیم عمیق دینی را به دانشجویان منتقل کنند و نه خودشان حتی یک‌بار به طور عمیق، کل قرآن را هم مرور کرده‌اند. با تلاوت نیم‌بند و سطحی برخی از آیات قرآن هم که نمی‌شود همه‌چیزدان شد! این مسأله به خاطر نقص فضای تبلیغی و تعلیماتی در موضوعات دینی است.

امروز دانستن حداقلی از معارف دینی برای شما هنرمندان کافی نیست؛ باید رازهایی از دین را عمیقاً درک کنید

• انگیزه انقلابی برای یک هنرجو کافی نیست، بلکه باید رازهایی از دین را عمیقاً بداند و درک کند. به پیشینیان خودتان نگاه نکنید که در آن فضا با حداقل معارف دینی مجاهدت می‌کردند تا در این دو امدادی، چوب را به شما برسانند. امروز شرایط تغییر کرده و الان کار شما به آن سادگی و با دانستن حداقلی از معارف دینی قابل انجام نیست. **الان شما برای فهم نیازهای زمانه خود از قرآن و معارف دینی، خیلی نیازمند دانستن عمیق معارف دین هستید و باید این نیاز را باور کنید. چون پیام دینی‌ای که شما امروز می‌خواهید بدهید، خیلی عمیق‌تر از پیام‌های دینی‌ای است که قبلاً داده می‌شد.**

• به عنوان مثال، امروز درباره‌ی مفهوم ایمان، چه پیام عمیقی وجود دارد که شما هنرمندان بخواهید به مردم منتقل کنید؟ در قرآن کریم حدود ۲۵۰ مرتبه از ایمان سخن گفته شده است. در این میان، خداوند ۱۳ مرتبه توصیه به ایمان کرده و از این ۱۳ مرتبه، ۱۱ مرتبه آن خطاب به مؤمنین است. پس مشکل ایمان در قرآن مؤمنین هستند، یعنی این مؤمنین هستند که باید مؤمن‌تر بشوند. **خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا» (نساء/۱۳۶)** لذا می‌توان گفت مشکل و مسأله اصلی، ملحدینی که خدا را قبول ندارند نیست، بلکه مسأله اصلی مؤمنین هستند.

امروز در جامعه ما هیچ شغلی به ضرورت و اهمیت و ارزش کار هنری و رسانه‌ای نیست/ شما علاوه بر انگیزه قوی، معرفت و بصیرت فوق‌العاده نسبت به زمانه خود نیز لازم دارید

- بنده به جد معتقد هستم که امروز در جامعه ما هیچ شغلی به ضرورت و اهمیت و ارزش هنر و رسانه نیست. به هیچ وجه ارزش حضور در هیچ صنعت و شغل و کسب و کاری مثل حضور در عرصه هنر و رسانه نیست. این ضرورتی است که می‌توان با اتکا به متون دینی، واقعیت‌های موجود و منطقی قوی اثبات کرد. نیاز جهان برای شنیدن صداهای شما خیلی بیشتر از گذشته شده و ضرورت کار در این عرصه خیلی بالاتر از گذشته شده است.
- به عنوان مثال، یک وقت پزشکی را به روستای دورافتاده‌ای می‌فرستند تا چند بیمار سرماخورده یا صعب‌العلاج را معالجه کند، اما یک وقت پزشکی را به میدان جنگ می‌فرستند تا به خط مقدم برود و مجروحانی که دارند جان می‌دهند را معالجه کند. امروز ضرورت کار شما مانند ضرورت اعزام آن پزشک به میدان جنگ است. امروز در مقابل شما یک میدان نبرد نرم سهمگین و یک میدان نبرد سخت که متکی به کار فرهنگی و نبرد نرم است، قرار دارد. حیاتی‌ترین نیاز جامعه این است که شما در این عرصه قدم بگذارید، لذا ارزش کار شما بسیار بالاست.
- اما درک این ضرورت برای انجام کار فرهنگی و هنری کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر انگیزه قوی، یک معرفت و بصیرت فوق‌العاده نسبت به زمانه خود لازم دارید تا بتوانید روی پای خودتان بایستید. مثل شهید دیالمه، محکم بایستید و علمای خوب و بد را تشخیص دهید و انحراف افراد مختلف را به درستی ببینید و حتی پیش‌بینی کنید.

گویا یک لحظه چراغ را برای شهید آوینی روشن کرده بودند و او این منظومه با عظمت را دیده بود/ رسیدن به این درک عمیق، تهذیب نفس، نماز شب، از خودگذشتگی، و توسل به اهل بیت(ع) می‌خواهد

- اینکه من شما را به یک فهم عمیق دعوت می‌کنم، معنایش این نیست که شما را به حوزه‌های علمیه دعوت کنم، نه! مگر شهید دیالمه یا شهید آوینی طلبه بودند؟! بنده مانند خیلی‌ها قبل از شهادت آقای آوینی، آشنایی چندانی با ایشان نداشتم، اما وقتی مقام معظم رهبری(ره) درباره ایشان فرمودند: «سید شهیدان اهل قلم» عظمت ایشان برای کسانی که رهبر انقلاب را می‌شناسند روشن شد، چون مقام معظم رهبری(ره) مبالغه‌آمیز و بی‌حساب به کسی عنوان نمی‌دهند. لذا به سراغ سخنان و اندیشه‌های ایشان رفتم و دیدم که واقفان ایشان با مطالعه و دقت زیاد، این عنوان را به شهید آوینی داده‌اند. الان بیش از بیست سال از شهادت ایشان می‌گذرد، اما هنوز کسی به گرد پای ایشان نرسیده است.
- در واقع شهید آوینی، حقیقتی را «دریافت» کرده بود که دیگران در تاریکی با دست کشیدن بر قسمتی از آن، فقط تصویری نسبت به آن پیدا کرده بودند. گویا یک لحظه چراغ را برای شهید آوینی روشن کرده بودند و او در روشنایی این منظومه با عظمت را دیده بود و لذا بعد از این درک عمیق، دست به هر جایی از این منظومه می‌کشید، برداشت دقیق و درستی از آن پیدا می‌کرد.
- بنده درباره شهید دیالمه و شهید چمران نیز همین اعتقاد را دارم، یعنی معتقدم چراغ را یک لحظه برای آنها روشن کرده بودند و آنها این منظومه را دیده بودند. اما بعضی‌ها بدون اینکه چراغ را برایشان روشن کرده باشند و بدون اینکه کلیت این منظومه را دیده

باشند و درک عمیقی پیدا کرده باشند، فقط به قسمتی از آن دست زده‌اند و با همین فهم جزئی خود، فقط پُرحرفی می‌کنند. ان‌شاءالله این چراغ برای شما روشن شود و این درک عمیق را به‌دست بیاورید.

- البته برای رسیدن به این درک عمیق، تهذیب نفس، معنویت، ریاضت، نماز شب، از خودگذشتگی، گریه در خانه اهل بیت(ع)، توسل و قرآن خواندن نیمه‌شب می‌خواهد که باید فراهم کنید. باید چراغ را برایتان روشن کنند تا یک‌بار کل ماجرا را ببینید، تا بعد از آن با هر قطعه‌ای از قطعات معرفتی مواجه شدید بدانید، که این قطعه را کجا باید قرار دهید.

اگر انگیزه سالم انقلابی و نگاه عمیق معرفتی داشته باشید، هنر آن شیوه‌ای خواهد بود که شما به کار

می‌بندید

- اگر آن انگیزه سالم انقلابی در شما باشد و روز به روز به آن را تقویت کنید و خودتان را در محضر خداوند متعال مسئول پاسخ‌دادن برای آن سرهای بریده مظلوم بدانید، و علاوه بر آن، اگر بصیرت و نگاه عمیق معرفتی را پیدا کنید، در این صورت ابزار هنر، خود به خود در دستان شما قرار خواهد گرفت به حدی که اصلاً هنر آن شیوه‌ای خواهد بود که «شما» به کار می‌بندید و آن خلاقیتی خواهد بود که از «شما» صادر خواهد شد، و سبک هنری آن چیزی خواهد بود که «شما» بگویید، یعنی شما تعیین خواهید کرد که چگونه باید این حقیقت را بیان کرد، و دیگر کسی نمی‌تواند سبک بیان آن را به شما دیکته کند.

